

«مرگ بر ارتش اسرائیل»: فراخوانی برای انحلال و پاسخگویی به جنایات در غزه

روز شنبه، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵، گروه پانک باب ویلان در جریان اجرای خود در جشنواره گلاستونبری، شعار «مرگ بر ارتش اسرائیل» را سر دادند. این شعار با محکومیت گسترده از سوی سیاستمداران و گروه‌های لابی طرفدار اسرائیل مواجه شد که آن را تحریک به خشونت توصیف کردند. با این حال، این تفسیر نیت شعار را تحریف می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که این شعار باید به عنوان یک مطالبه مشروع و از نظر اخلاقی فوری برای انحلال نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) به عنوان یک نهاد و پاسخگویی افراد مسئول جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و اقداماتی که ممکن است به نسل‌کشی منجر شود، مطابق با قوانین بین‌المللی، درک شود.

масштаб و ماهیت جنایات

میزان تخریب و تلفات جانی در غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ عظیم است. وزارت بهداشت غزه بیش از ۶۲,۰۰۰ مرگ مستقیم تأیید شده گزارش کرده است، در حالی که برآوردهای گسترده‌تر تعداد کل قربانیان را با احتساب مرگ‌های غیرمستقیم ناشی از قحطی، فروپاشی نظام سلامت و افراد گمشده‌ای که احتمالاً زیر آوار مدفون شده‌اند، نزدیک به ۵۰۰,۰۰۰ نفر پیش‌بینی می‌کنند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۴ در لنست تا ۱۸۶,۰۰۰ مرگ غیرمستقیم را پیش‌بینی کرد و تحقیقات هاروارد به ۳۷۷,۰۰۰ نفر مفقود اشاره کرد. بیانیه‌های سیاست اسرائیل که به برنامه‌هایی برای جابجایی ۱.۸ میلیون نفر از ۲.۳ میلیون ساکن قبل از جنگ غزه اشاره دارند، حاکی از کاهش چشمگیر جمعیت است. داده‌های ماهواره‌ای (استاتیستا، ژوئن ۲۰۲۵) نشان می‌دهد که ۷۰ درصد ساختمان‌ها آسیب دیده یا تخریب شده‌اند، ۷۵ درصد غیرقابل سکونت هستند و نیمی از آن‌ها به آوار تبدیل شده‌اند. تخریب زیرساخت‌ها - از جمله بیمارستان‌ها، تأسیسات آب و سیستم‌های فاضلاب - همراه با نقص عضو ۲۵,۰۰۰ نفر، که بسیاری از آن‌ها کودکان هستند، چندین معیار کنوانسیون نسل‌کشی را برآورده می‌کند: قتل‌های جمعی، ایجاد آسیب‌های جدی، تخریب شرایط اساسی زندگی، جلوگیری از تولد از طریق فروپاشی محیطی و پزشکی، و آوارگی اجباری.

این نتایج از سیاست‌های عمدی دولت اسرائیل ناشی می‌شود. نخست‌وزیر نتانیاو بر عملیات نظامی نظارت داشته است؛ وزیر دارایی اسموتریچ کمک‌های بشردوستانه را مانع شده است؛ وزیر دفاع گالانت محاصره «حیوانات انسانی» را آغاز کرد؛ و وزیر امور خارجه کاتز از اقدامات ویرانگر حمایت کرده است. ارتش اسرائیل نه تنها دستورات را اجرا کرده، بلکه از اقدامات خود تجلیل کرده است. تحقیقات هاآرتص و فائوم نشان می‌دهد که واحدهای عملیات روانی ارتش اسرائیل محتوای گرافیکی از قربانیان فلسطینی را با زیرنویس‌های غیرانسانی از طریق کانال‌های غیررسمی منتشر کرده‌اند. این اقدامات نه رفتار نادرست منفرد، بلکه یک فرهنگ سیستماتیک از مصونیت و خشونت را منعکس می‌کنند.

تفسیر شعار: یک مطالبه سیاسی و حقوقی

شعار «مرگ بر ارتش اسرائیل» که توسط جمعیت بزرگی در گلاستونبری تکرار شد، فراخوانی تحت‌اللفظی برای خشونت علیه سربازان منفرد نیست. بلکه بیانگر تقاضایی برای انحلال نهادی است که به طور سیستماتیک در رفتارهایی که قوانین بین‌المللی بشردوستانه را نقض می‌کند، درگیر بوده است. این تفسیر با سوابق تاریخی، مانند تصمیم متفقین برای انحلال ورماخت نازی پس از جنگ جهانی دوم، همخوانی دارد.

فراخوان برای انحلال ارتش‌هایی که در جنایات جمعی دخیل هستند، چیز جدیدی نیست. این شعار نمادی از ضرورت اخلاقی و حقوقی پایان دادن به ظرفیت عملیاتی ارتش اسرائیل و پاسخگویی افرادی است که مسئولیت فردی برای نقض‌ها دارند - از جمله فرماندهان نظامی، رهبران سیاسی و سربازانی که در اعمال غیرقانونی مشارکت کرده یا آن‌ها را امکان‌پذیر کرده‌اند. این شعار بازتاب رد نمادین و سیاسی یک نیروی نظامی است که در شکل کنونی خود، خارج از چارچوب قانونی و انسانی عمل می‌کند.

زمینه حقوقی: اشغال، نه جنگ

ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد اجازه دفاع از خود در پاسخ به حملات مسلحانه توسط دولت‌ها را می‌دهد، که در اینجا قابل اعمال نیست. غزه نه توسط اسرائیل و نه توسط اکثر جامعه بین‌المللی به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخته شده و حماس به عنوان یک بازیگر غیرحکومتی در نظر گرفته می‌شود. طبق قوانین بین‌المللی، اسرائیل همچنان قدرت اشغالگر در غزه است و به کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) ملزم است که استفاده از نیروی نظامی علیه جمعیت اشغال شده را محدود می‌کند.

اقدامات نظامی مانند محاصره‌ها، بمباران‌ها و هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی خارج از چارچوب پلیس قانونی طبق ماده ۲۷ کنوانسیون است. مقیاس پاسخ - تخمین ۵۰۰,۰۰۰ مرگ در غزه در مقابل ۱,۲۰۰ قربانی اسرائیلی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ - استفاده نامتناسب و غیرقانونی از زور را نشان می‌دهد. این زمینه ادعا را تقویت می‌کند که رفتار اسرائیل آستانه قانونی برای دفاع از خود را برآورده نمی‌کند، بلکه یک اشغال غیرقانونی و اقدامات احتمالی نسل‌کشی را تشکیل می‌دهد.

سابقه تاریخی: نورنبرگ و مسئولیت فردی

محاکمات نورنبرگ مشخص کردند که اطاعت از دستورات، افراد را از مسئولیت جنایات جنگی یا نسل‌کشی معاف نمی‌کند. منشور لندن و اصل چهارم نورنبرگ تعهد به نافرمانی از دستورات غیرقانونی را تأیید می‌کنند. این اصول زیربنای کدهای نظامی در سراسر جهان، از جمله چارچوب اخلاقی خود ارتش اسرائیل است که از سربازان می‌خواهد دستورات غیرقانونی را رد کنند.

اسنادی که توسط وکیل بین‌المللی ایتای ایشتاین منتشر شده‌اند، نشان می‌دهند که قانون‌گذاران اسرائیلی دستور تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و محرومیت از ملزومات را داده‌اند، دستوراتی که به وضوح غیرقانونی هستند. اجرای این سیاست‌ها توسط ارتش اسرائیل - همراه با خودستایی و سخنان جشن‌گونه در شبکه‌های اجتماعی - مشارکت آگاهانه و عمدی را نشان می‌دهد. این اقدامات مشابه جرایمی است که پس از جنگ جهانی دوم مورد پیگرد قرار گرفتند و بر ضرورت پاسخگویی فردی تأکید می‌کنند.

ضرورت اخلاقی برای انحلال

با وجود اقدامات موقت صادرشده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در ژانویه ۲۰۲۴ و تحقیقات در جریان توسط دیوان کیفری بین‌المللی، مکانیزم‌های بین‌المللی تاکنون نتوانسته‌اند از رنج گسترده جلوگیری کنند. تعداد تخمینی مرگ‌ها و تخریب در غزه نیازمند اقدامی قاطع است: انحلال ارتش اسرائیل در شکل کنونی آن و پیگرد قانونی افرادی در همه سطوح که مرتکب جنایات شده یا آن‌ها را امکان‌پذیر کرده‌اند.

این فراخوانی برای انتقام نیست، بلکه برای عدالت است. انحلال نهادی که جنایات جنگی را تسهیل می‌کند، نظم حقوقی بین‌المللی را تقویت کرده و از جنایات آینده جلوگیری می‌کند. فرهنگ داخلی ارتش اسرائیل - همان‌طور که از جشن‌های

عمومی تخریب مشخص است - بر فوریت انحلال نهادی و بازسازی آن تحت هنجارهای قانونی و اخلاقی تأکید می‌کند.

مقابله با ریاکاری در استانداردهای بلاغی

قاب‌بندی شعار گلاستونبری به عنوان تحریک، در حالی که سخنان نفرت‌پراکنانه بسیار صریح‌تر توسط مقامات و شهروندان اسرائیلی تحمل می‌شود، دوگانگی استاندارد را آشکار می‌کند. از حداقل سال ۲۰۲۱، در جریان راهپیمایی‌های روز اورشلیم، جمعیت‌ها از جمله چهره‌های دولتی مانند ایتامار بن گویر شعار «مرگ بر عرب‌ها» سر داده‌اند، شعاری که با حملات فیزیکی به فلسطینیان همراه بوده است. این ابرازهای نفرت قومی عمده‌تر در گفتمان عمومی اسرائیل عادی‌سازی شده‌اند.

در مقابل، شعار گلاستونبری یک نهاد نظامی را هدف قرار می‌دهد، نه یک گروه قومی یا مذهبی، و خواستار انحلال آن به دلیل دخالت در جنایات جمعی است. برابر دانستن این با تحریک به خشونت، تحریف محتوای و نیت آن است، در حالی که سخنان آشکارتر و خطرناک‌تر در جاهای دیگر تحمل می‌شود.

پیش‌بینی استدلال‌های مخالف

برخی ممکن است استدلال کنند که اقدامات اسرائیل پاسخ‌های دفاعی به حملات حماس است. با این حال، طبق قوانین بین‌المللی، قدرت‌های اشغالگر حق ندارند به همان شیوه دولت‌های مستقل به دفاع از خود استناد کنند. تأثیر نامتناسب، هدف قرار دادن غیرنظامیان و جشن مستند خشونت، ادعاهای دفاع مشروع را باطل می‌کند.

دیگران ممکن است درباره بی‌ثباتی سیاسی ناشی از انحلال ارتش اسرائیل هشدار دهند. اما تاریخ نشان می‌دهد که تحمل مصونیت به بی‌ثباتی عمیق‌تر و جنایات بیشتر منجر می‌شود. همان‌طور که در پاسخ تأخیری متفقین به هولوکاست دیده شد، بی‌عملی در برابر نسل‌کشی به یک شکست اخلاقی و تاریخی تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

رویدادهای غزه یکی از جدی‌ترین بحران‌های انسانی و حقوقی قرن بیست و یکم را نشان می‌دهند. با تخمین ۵۰۰,۰۰۰ مرگ، عملیات ارتش اسرائیل - مجاز توسط رهبرانی مانند نتانیاوو، اسموتریچ، گالانت و کاتز - به قلمرو جنایات سیستماتیک وارد شده است. شعار «مرگ بر ارتش اسرائیل» نباید به عنوان فراخوانی برای خشونت، بلکه به عنوان یک مطالبه سیاسی و حقوقی برای انحلال یک نهاد نظامی دخیل در جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی درک شود.

جامعه بین‌المللی باید قاطعانه عمل کند: انحلال ارتش اسرائیل در شکل کنونی آن و پاسخگویی همه افراد، از فرماندهان تا رهبران سیاسی، با مسئولیت اثبات‌شده برای این جنایات. این کار اصل این‌که هیچ نیروی نظامی نمی‌تواند بدون مجازات عمل کند را تأیید کرده و میراث نورنبرگ را حفظ می‌کند، جایی که عدالت نه از طریق سکوت، بلکه از طریق پاسخگویی به پیروزی رسید.